

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :
Collective Space, A Declining Concept
Assessing the Social Quality of Urban Spaces in the Historic District of Gorgan
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

فضای جمعی، مفهومی رو به زوال ارزیابی کیفیت اجتماعی فضاهای شهری در بافت تاریخی شهر گرگان*

حمیده ابرقویی فرد^{۱*}، هدیه برومند^۲، اردلان طایفه حسینلو^۳، محمد مهدی لطیفی^۴، سیده یگانه نبئی^۵، غزل نیکزاد^۶

۱. پژوهشگر دکتری معماری منظر، دانشگاه تهران، ایران.
 ۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشگاه تهران، ایران.
 ۳. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشگاه تهران، ایران.
 ۴. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشگاه تهران، ایران.
 ۵. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشگاه تهران، ایران.
 ۶. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشگاه تهران، ایران.
- تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۰۸ تاریخ اصلاح: ۹۸/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۰۳ تاریخ انتشار: ۹۹/۰۴/۱۱

چکیده

بررسی ماهیت اجتماعی فضاهای شهری، با ادبیات و رویکردهای متفاوتی مورد توجه قرار گرفته است. فضای شهری و فضای عمومی، تعاریفی بر پایهٔ وجه کالبدی، عملکردی فضا، حق حضور و استفادهٔ یکسان برای همهٔ افراد هستند؛ اما فضای جمعی به‌عنوان مفهومی جدیدتر بر ابعاد کالبدی -تقابل فضا در مقابل توده- و کارکردی -حضور افراد- تکیه نداشته و با برخورداری از وجه معنایی، بر مبنای شکل‌گیری تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های مشترک تعریف می‌شود. امروزه با کمرنگ‌شدن بعد اجتماعی فضا در شهرهای معاصر، اغلب فضاهای جمعی به فضاهای عمومی تنزل یافته‌اند. ضرورت پرداختن به مسئلهٔ ناکارآمدی اجتماعی فضا در بافت تاریخی شهرهایی نظیر گرگان، از یک سو آسیب‌پذیری این بخش از شهرها بوده و از سوی دیگر برخاسته از تأثیر مثبتی است که پویایی اجتماعی فضاهای جمعی موفق، بر کیفیت فضایی بافت و استمرار حیات آن دارد. ارزیابی ابعاد اجتماعی فضاهای شهری واقع در بافت تاریخی گرگان، جایگاه تاریخی و دامنهٔ اثرگذاری فضاهای عمومی و جمعی را در سازمان فضایی و حیات اجتماعی شهر مشخص کرده و بررسی تغییرات این فضاها در پی تحولات و اقدامات مدیریتی متأخر، زمینه را برای کشف ماهیت اجتماعی کنونی آنها فراهم می‌آورد. هدف از نوشتار حاضر بررسی روند تحول فضاهای شهری در بافت تاریخی گرگان، براساس مؤلفه‌های کالبدی، کارکردی و معنایی است. در این راستا تحولات اجتماعی فضا، در انطباق با پیامدهای تحولات درونی و اقدامات بیرونی اعمال شده بر بافت سنجیده شده و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بازارها و مراکز محلات دو گونه فضاهای شهری در بافت تاریخی گرگان بوده‌اند که امروزه هر یک بنابر تغییرات رخ داده، دارای درجات متفاوتی از اجتماعی بودن هستند. بازار مرکزی شهر بنابر نقش اقتصادی و ویژگی‌هایی چون تنوع عملکردی و دسترسی‌پذیری، همچنان دارای اثرگذاری اجتماعی است. اما فضای مرکز محلات به دلیل تغییرات تدریجی بافت در طی صد سال اخیر از جمله همگام‌نشدن با روند توسعه، ناتوانی در پاسخ‌گویی به نیازهای روزمرهٔ ساکنان و تحول ساختار جمعیتی نقش اجتماعی خود را از دست داده‌اند. محدودماندن اقدامات مدیریتی به تمهیدات سخت‌افزاری و کالبدی نیز به این روند دامن زده است و تنها استمرار وجه معنایی فضای جمعی مرکز محلات با تمرکز بر کارکرد آیینی آنها، تداوم حیات اجتماعی را به شکل خاطره‌ای برجا مانده از گذشته هرچند به شکل دوره‌ای و مناسبتی - میسر ساخته است.

واژگان کلیدی

منظر شهری گرگان، فضای عمومی، فضای جمعی، روابط اجتماعی، مرکز محله، بازار

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «گردشگری منظر بومی گرگان» است
که در سال ۱۳۹۸ در پژوهشکدهٔ نظر و به سرپرستی دکتر سید امیر منصوری
** نویسنده مسئول: hamide.abarghouyi@gmail.com ۰۹۱۲۶۹۹۸۲۲۳

مقدمه

یکی از عوامل پیدایش شهرها، نیاز ازلی بشر به گردهمایی و تعامل اجتماعی است. ضرورت در کنار هم بودن برای رفع نیازهای انسانی متعدد از قبیل داد و ستد، تولید و بسیاری عوامل دیگر، بشر را به سمت زندگی اجتماعی سوق داده است (روو، ۱۳۸۹، ۹). تحول شیوه‌های زندگی در طول زمان، نقش اجتماعی فضاهای شهری را به‌خصوص در بافت تاریخی شهرها متأثر ساخته است. شهر گرگان با قدمتی از دوره زرتشت (کیانی، ۱۳۶۶)، نمونه تداوم تاریخی حیات اجتماعی در بستر فضاهای شهری است. فضا را می‌توان ابزاری دانست که روابط اجتماعی به‌واسطه آن و در آن رخ می‌دهد. فضا فرآورده و تولیدی اجتماعی است و هر جامعه بر مبنای شاخصه‌های منحصر به فرد خود، نوع خاصی از فضا را تولید می‌کند (لوفور، ۱۳۹۵). از این‌رو فضاهای زمینه‌ساز حیات اجتماعی انسان به گونه‌های مختلف شکل گرفته و درجات متفاوتی از اجتماعی بودن را میسر می‌سازند. در شهرهای تاریخی ایران حیات اجتماعی به شکل عمده در مراکز محلات، مجموعه‌های شهری نظیر ارسن‌ها و بازارها جریان داشته است. بافت تاریخی شهرگرگان نیز از این قاعده مستثنی نبوده و از تجمع سه محله سبزه مشهد، میدان و نعلبندان (خانلری و میرسعیدی، ۱۳۸۹) با محوریت بازار اصلی و راسته‌های آن شکل گرفته است. با توجه به نقش محلات به‌عنوان واحدهای اجتماعی نیمه‌مستقل، بخشی از حیات اجتماعی بافت تاریخی گرگان، در قالب نظم فضایی این محلات و مراکز آنها شکل گرفته است. با توجه به اهمیت اقتصادی گرگان از دوره باستان به‌عنوان بازاری در ارتباط با کالاهای ایران و توران (معینی، ۱۳۴۴، ۱۰۹) و ارزش اجتماعی بازار در همه شهرهای ایرانی-اسلامی، سطح دیگری از حیات اجتماعی در بازار اصلی گرگان و راسته‌های فرعی آن همواره در جریان بوده است. نوشتار حاضر به بررسی گونه‌های مختلف فضاهای شهری با کارکرد اجتماعی در شهر تاریخی گرگان پرداخته و در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که مؤلفه‌ها و عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر میزان اجتماعی بودن فضاهای شهری در بافت تاریخی شهر گرگان چه بوده و این فضاها در طول حیات خود چه روندی را طی کرده‌اند؟

روش تحقیق

روش تحقیق در نوشتار پیش‌رو از نوع کیفی و مطالعه موردی است و با دیدگاهی کل‌گرا و مشاهده تفصیلی به تفسیر عوامل (علت) مختلف از جمله اجزاء، عوامل محیطی، فرآیندها و رویدادهایی می‌پردازد که بر شاخصه اجتماعی (معلول) فضاهای شهری در وضعیت کنونی تأثیر گذاشته

است. در گام نخست به منظور تبیین ادبیات موضوع و تعریف مفاهیم فضای عمومی، فضای جمعی و ابعاد مختلف آنها از شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای استفاده شده و سپس برای روشن‌ساختن روند تحول فضاهای اجتماعی بافت تاریخی گرگان از روش مطالعه میدانی-عموما مشاهده- بهره گرفته شده است.

ادبیات موضوع

روابط اجتماعی از طریق فضا برقرار شده و به وسیله فضا محدود می‌شوند. فضاهای اجتماعی به‌واسطه حضور مردم شخصیت پیدا می‌کنند و محیط‌هایی اختیاری هستند. در ادبیات حوزه شهر، فضاهای زمینه‌ساز تعاملات اجتماعی، با تعاریف، کارکردها و مؤلفه‌های متفاوت بروز یافته و روندی متكاملی را طی کرده‌اند. در تعریف فضای شهری معیار اصلی سنجش، شاخصه‌های کالبدی بوده و بر مبنای تقابل فضا و توده، فضای شهری به‌عنوان یک تهی در میان توده‌های ساختمانی مطرح می‌شود. فضای عمومی^۱ نقطه تمییز دموکراسی از شهرنشینی است که شاخصه اصلی آن عمومیت داشتن و حق یکسان در دسترسی و حضور برای تمامی افراد جامعه است. فضای جمعی مفهومی جدیدتر و مولد نوعی الگوی شهرنشینی است و عامل مفهوم‌یافتن جامعه به‌عنوان مجموعه‌ای از افراد است که در تعامل با یکدیگر قرار دارند. چگونگی عملکرد اجتماعی فضاهای شهری موضوع مورد مطالعه تخصص‌های مختلف از جمله طراحان، روانشناسان محیطی و جامعه‌شناسان است. هر یک از متخصصین، عوامل و ویژگی‌های متفاوتی را برای اجتماعی شدن فضاهای شهری ضروری دانسته‌اند که در یک جمع‌بندی کلی می‌توان آنها را در سه دسته ویژگی‌های کالبدی، عملکردی و معنایی طبقه‌بندی کرد (تصویر ۱). در این نوشتار ارزیابی فضاهای شهری، براساس مؤلفه‌های استخراج شده از پژوهش‌های پیشین صورت می‌گیرد تا چگونگی دگرگونی ماهیت اجتماعی فضاهای شهری بافت تاریخی گرگان روشن شود.

شکل تاریخی فضاهای جمعی در بافت تاریخی شهر گرگان

سازمان فضایی شهر، نظم حاصل از تبلور ذهنیت شهروندان در فضای زندگی آنها یا نظم میان نقش عناصری است که شهر را به عنوان یک کل و سیستم معرفی می‌کند (محمدزاده و منصوری، ۱۳۹۶، ۲۱).^۲ عناصر سازمان فضایی شهر ایرانی شامل کل‌های کوچک (مجموعه‌های شهری و مراکز محلات) و ساختار ارتباطی شهر (اغلب بازار و راسته‌های فرعی آن) نقش و ماهیت اجتماعی دارند. امروزه



تصویر ۱. جمع‌بندی یافته‌ها درباره ویژگی‌های ضروری برای شکل‌گیری فضای جمعی، مأخذ: نگارندگان.

در بافت تاریخی گرگان، محلات نقش اجتماعی کمرنگی دارند اما بازار قدیمی شهر و راسته‌های آن به دلیل نقش اقتصادی فعال، همچنان بر حیات اجتماعی ناحیه اثر می‌گذارد. بر این مبنای ادامه به بررسی و ارزیابی نقش بازار و محلات در شکل‌گیری حیات اجتماعی بافت تاریخی گرگان می‌پردازیم.

بازار، بستر پویای شکل‌گیری روابط اجتماعی در گذشته بسیاری از فعالیت‌های مهم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و فرهنگی شهرهای ایرانی در بازار شکل می‌گرفت. در زبان فارسی میانه به بازار، «واچار» گفته می‌شد که تنها مرکز خرید و فروش کالا نبود. به طور کلی واچار به انجمن‌گاه اطلاق می‌شد که مردم هر شهر، سالانه چندبار در آن گردهم آمده و به مسائل اجتماعی رسیدگی می‌کردند؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از جنبش‌های اجتماعی از بازارها برخاسته‌اند (پیرنیا، ۱۳۹۲). بازار، ستون فقرات شهر ایرانی و زیربنای توسعه اجتماعی-اقتصادی آن است. عملکردهای متعدد موجود در بازار، سیستم عملکردی یکپارچه‌ای را در شهرهای ایرانی ایجاد می‌نمود که بخش قابل توجهی از نیازهای مختلف اجتماعی و اقتصادی مردم شهر را تأمین می‌کرد. به عبارتی فضای بازار تنها به داد و ستد و فعالیت‌های بازرگانی اختصاص نداشت، بلکه به‌عنوان شاهراه حیاتی شهر، کارکردهای شهری مهم مانند مسجد جامع، مدارس‌های مذهبی، خانقاه، گرمابه و سایر تأسیسات

شهری را در خود جای می‌داد. در دهه‌های اخیر، بازار جایگاه اصلی خود را به‌عنوان قلب تپنده شهر ایرانی از دست داده و از رونق این فضای اجتماعی کاسته شده است. نقش اجتماعی بازار، بسته به جایگاه آن در سازمان فضایی شهر متغیر است. بازار نعلبندان در نقش ستون فقرات گرگان قدیم، در مجاورت مسجد جامع قرار داشته (رضوانی و حبیبی، ۱۳۹۳، ۷) و به‌عنوان بازار اصلی شهر و جزئی مهم از سازمان فضایی آن- ارتباط مناسبی را با سایر اجزاء اعم از قلمرو، کل‌های کوچک و مرکزیت برقرار می‌کند. این بازار با وجود تغییرات صورت‌گرفته در بافت پیرامونی، از هر طرف به یکی از محلات یا خیابان‌های مهم می‌رسد و نقطه اتصالی بین مرکز محلات مختلف است. این رابطه هم‌افزایی نه تنها بازار نعلبندان را در مقام یک فضایی جمعی تقویت می‌کند، بلکه بر روی مرکز محلات اطراف نیز تأثیر گذاشته و عملکرد اجتماعی آنها را بهبود می‌بخشد. کاربری‌های متنوع و دسترسی‌پذیری، در استمرار نقش اجتماعی بازار نعلبندان بی‌تأثیر نبوده است (تصویر ۲).

در عهد صفویه با گسترش شهر و شکل‌گیری محلات جدید مانند محله میدان، در حدود سال ۹۵۲ هجری قمری مدرسه عمادیه در ضلع شرقی مرکز محله دربندو (یکی از محلات فرعی محله میدان) ساخته شد. این مدرسه به همراه آب‌انبار، قبرستان، حمام، مغازه‌های گوناگون، مسجد گلشن، مجموعه چند تکیه و عناصر عمده محله دربندو و بخشی از بافت بازار کهنه استرآباد را شامل می‌شود

در بافت تاریخی گرگان، محلات نقش اجتماعی کمرنگی دارند اما بازار قدیمی شهر و راسته‌های آن به دلیل نقش اقتصادی فعال، همچنان بر حیات اجتماعی ناحیه اثر می‌گذارد. بر این مبنای ادامه به بررسی و ارزیابی نقش بازار و محلات در شکل‌گیری حیات اجتماعی بافت تاریخی گرگان می‌پردازیم.

بازار، بستر پویای شکل‌گیری روابط اجتماعی در گذشته بسیاری از فعالیت‌های مهم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و فرهنگی شهرهای ایرانی در بازار شکل می‌گرفت. در زبان فارسی میانه به بازار، «واچار» گفته می‌شد که تنها مرکز خرید و فروش کالا نبود. به طور کلی واچار به انجمن‌گاه اطلاق می‌شد که مردم هر شهر، سالانه چندبار در آن گردهم آمده و به مسائل اجتماعی رسیدگی می‌کردند؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از جنبش‌های اجتماعی از بازارها برخاسته‌اند (پیرنیا، ۱۳۹۲). بازار، ستون فقرات شهر ایرانی و زیربنای توسعه اجتماعی-اقتصادی آن است. عملکردهای متعدد موجود در بازار، سیستم عملکردی یکپارچه‌ای را در شهرهای ایرانی ایجاد می‌نمود که بخش قابل توجهی از نیازهای مختلف اجتماعی و اقتصادی مردم شهر را تأمین می‌کرد. به عبارتی فضای بازار تنها به داد و ستد و فعالیت‌های بازرگانی اختصاص نداشت، بلکه به‌عنوان شاهراه حیاتی شهر، کارکردهای شهری مهم مانند مسجد جامع، مدارس‌های مذهبی، خانقاه، گرمابه و سایر تأسیسات

گرفته‌اند (طبرسا، پاسبان خمیری و حسینی فوجردی، ۱۳۹۷، ۹). شبکه منسجم محلات در بافت تاریخی گرگان دارای نظام اجتماعی خاصی بوده و مرکز محلات اماکنی برای گردهمایی‌ها، دیدوبازدیدها و برگزاری مراسم‌های جمعی بوده‌اند (رضوانی و حبیبی، ۱۳۹۳). هم‌اکنون نیز ساختار کالبدی بافت تاریخی گرگان، براساس نظام محله‌بندی شکل گرفته است، اما مراکز محلات همچون گذشته کارکرد اجتماعی ندارند. از دلایل این ناکارآمدی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

• از بین رفتن تدریجی تنوع کاربری‌ها

تعدد^۳، منشأ اجتماعی شدن فضاهای شهری است. تعدد موقعیتی و تنوع فعالیت‌های در جریان، محرک‌هایی هستند که شخصیت فضا را به لحاظ اجتماعی تغییر می‌دهند. فراهم‌آوردن کاربری‌ها و امکانات متنوع، راهی برای حضور همه اقشار جامعه است (Amin, 2008). اختلاط کاربری و تنوع فعالیت‌ها در سازمان فیزیکی فضاهای شهری، زمینه‌ساز حضور افراد است و با فراهم‌آوردن امکان استفاده پیوسته از فضا و تماشایی‌ساختن آن عامل مهمی در موفقیت فضاهای جمعی خواهد بود (جیکوبز، ۱۳۸۶، ۳۵-۳۶). ویلیام وایت از تأثیر عوامل و رویدادهای بیرونی مؤثر در شکل‌گیری روابط اجتماعی یاد کرده و محرک‌های خارجی^۴ را واسطه‌هایی می‌داند که باعث برقراری ارتباط میان غریبه‌ها می‌شود (Whyte, 2005).

تنوع عملکردی، عامل پایدارشدن نقش اجتماعی افراد در منطقه و محل زندگی‌شان است. در شهرهای ایرانی مراکز محلات با قرارگیری در تقاطع گذرهای اصلی و وجود امکانات و فضاهای خدماتی نقش اجتماعی مهمی در سطح محله‌ای داشتند. مراکز محلات بافت قدیم گرگان نیز با برخورداری از عملکردهای مختلف نظیر بازار، بازارچه، تکیه، قبرستان، آب انبار، مسجد و ... (میرکتولی و مدانلود جویباری، ۱۳۹۱)، به نیازهای روزمره ساکنان پاسخ داده و بستر شکل‌گیری رویدادها و روابط اجتماعی بودند. اما امروزه تنوع کاربری‌های موجود در مرکز محله‌های بافت تاریخی شهر گرگان کافی نبوده و ساکنان را در رفع نیازهای روزمره خود کفا نمی‌سازد. مشاغل و عملکردهای خدماتی که با ارائه خدمات روزمره به پویایی و سرزندگی اجتماعی محلات کمک می‌کنند، از مرکز محلات حذف شده‌اند و اندک کاربری‌های موجود در شکل کنونی از نوع تولیدی نظیر آهنگری و ابزارفروشی هستند. اغلب کاربری‌های موجود در اطراف میادین مرکز شهر گرگان، تبدیل به بدنه‌هایی صلب و بی‌روح شده و در مواردی کاربری‌های ریزدانه و متعدد به نفع کاربری‌های درشت دانه مصادره شده‌اند. از



تصویر ۲. تداوم حیات اجتماعی در بازار تاریخی نعلبندان، گرگان. عکس: سیده یگانه نبئی، ۱۳۹۸.

(<https://www.eligasht.com>). در شرایط فعلی بازار محله میدان، راسته‌ای فرعی از بازار تاریخی شهر است و با مقیاسی متفاوت از بازار نعلبندان در سطح محله میدان کار می‌کند. همچنین احداث خیابان رجایی - همچون نوعی قطع عضو - ارتباط آن با بازار نعلبندان و سایر محلات را از بین برده و از رشد و پویایی اجتماعی آن جلوگیری کرده است. جایگاه بازار محله میدان در سازمان فضایی شهر تضعیف و تدریجاً نقش اجتماعی آن نیز کمرنگ شده است. از مقایسه این دو بازار می‌توان نتیجه گرفت در شهرهای تاریخی ایران، جایگاه یک فضای جمعی در سازمان فضایی شهر و ارتباط آن با اجزای دیگر شهر یکی از عوامل موفقیت آن به لحاظ اجتماعی محسوب می‌شود. هرچه فضای جمعی، به‌عنوان جزئی از اجزای بی‌نهایت یک شهر، با اجزای بیشتری رابطه داشته باشد، در نقش اجتماعی خود موفق‌تر خواهد بود.

زوال تدریجی نقش اجتماعی مراکز محلات

شهر به جای محدود شدن به یک مفهوم و موجودیت بسیط، تنها در صورت تقسیم‌بندی بر مبنای تمایزات و تقلیل فضا به واحدهایی با مقیاس کوچکتر معنا می‌یابد. محله در شهر ایرانی، واحدی فیزیکی - اجتماعی است که معمولاً به صورت صنفی یا قومی شکل می‌گیرد. استقلال در اداره امور روزانه و خودتوانی در پاسخگویی به نیازها سبب شناخته‌شدن محلات به‌عنوان مجموعه‌های مستقل شده است. ویژگی مشترک همه محلات در شهرهای ایرانی برخورداری از مرکزیتی اجتماعی، کارکردی و معنایی بوده که در سطح محله خدمات‌رسانی می‌کرده است. سازمان فضایی شهر گرگان پس از ورود اسلام، دارای الگوی ستاره‌ای ارگانیک با مرکزیت مسجد جامع بوده و محلات مسکونی در امتداد شریان‌های منشعب از مرکز شکل



تصویر ۳. کاربری درشت دانه و غیرخدماتی مصلّا در فضای مرکز محله سبزه مشهد، عکس: غزل نیکزاد، ۱۳۹۸.



تصویر ۴. قرارگیری کاربری‌های جدید در امتداد خیابان‌های نفوذی دوره پهلوی، مأخذ: رنجبر، احسان، مرادی و موسوی سروینه باغی، ۱۳۹۴.

قابل تردد پیاده جلوه‌گر می‌شود که با اتصال مقصدها و ساختمان‌ها، فعالیت‌ها را در فضا به جریان می‌اندازد (کرمونا، ۱۳۹۴، ۷۳). پیوند میان مکان‌ها و یکپارچگی آنها

جمله عملکرد مصلی در ضلع جنوبی میدان سبزه مشهد که احتمالاً به جای چند عملکرد کوچکتر قرار گرفته و مقیاس فضا را به هم زده است. مجموعه این عوامل زمینه حضور افراد و برقراری تعاملات اجتماعی را در این محلات کمرنگ ساخته است (تصویر ۳).

• تحول ساختار جمعیتی و تحلیل رفتن سرمایه‌های اجتماعی بافت

با ایجاد خیابان‌های نفوذی در بافت تاریخی گرگان، کاربری‌های جدیدتر در امتداد آنها شکل گرفته و این مسئله به خالی‌شدن مراکز محلات از ساکنان دامن زده است^۵ (تصویر ۴). با روی کار آمدن سلسله قاجار و وارد شدن الگوهای غربی و تحمیل آن به بافت شهر، کالبد بافت تاریخی گرگان به تدریج از هم گسیخت. این تغییرات با آغاز حکومت رضاخان صورت و شدت بیشتری گرفت. تاکنون بسیاری از محلات قدیمی همچون محله پاسرو سرخواجه و نعلبندان به بافت‌های فرسوده مسئله‌دار تبدیل شده است؛ ساکنین مجبور به ترک بافت می‌شوند یا به دلیل نداشتن سرمایه کافی حاضرند شرایط فعلی را تحمل کنند (رضوانی، بهزادفر و حبیبی، ۱۳۹۶). چنین تحولی به دگرگونی و فروکاست سرمایه‌های اجتماعی محلات منسجم پیشین انجامید و با کمرنگ‌شدن ابعاد اجتماعی، مراکز محلات را از جمعی بودن به فضای عمومی برای افرادی تنزل داد که روابط و تعاملات چندانی با یکدیگر ندارند.

آسیب‌شناسی اقدامات مدیریتی بافت تاریخی

بافت تاریخی گرگان با حدود ۲۰۰ هکتار وسعت، قدیمی‌ترین بافت تاریخی ثبت‌شده در فهرست آثار ملی کشور است (<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/12/28/1682885>). مجموعه اقدامات صورت‌گرفته در جهت نوسازی بافت تاریخی گرگان و فضاهای جمعی آن صرفاً در حوزه اقدامات سخت‌افزاری نظیر کفسازی و جداره‌سازی باقی مانده و در زمینه مدیریتی نیز، پیاده‌مدار ساختن بافت تاریخی به دلیل عدم برخورداری از زیرساخت‌های مناسب، به اقدامات سطحی نظیر سنگفرش کردن محدود مانده است.

• ناکامی در پیاده‌مدار ساختن بافت

فضای حرکتی و فضای اجتماعی ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. هرچه حرکت پیاده در فضایی غالب‌تر باشد، آن فضای اجتماعی‌تر خواهد بود. این نگرش با نقش خیابان به‌عنوان فضایی اجتماعی در هماهنگی است. فضای اجتماعی و فضای حرکتی به صورت هم‌زمان، در قالب خیابان‌های



تصویر ۵. اقدامات صرفاً کالبدی در راستای پیاده‌محوری و اجتماعی‌ساختن گذرهای تاریخی گرگان، عکس: اردلان طایفه حسینلو، ۱۳۹۸.



تصویر ۶. اقدامات صرفاً کالبدی و محوطه‌سازی در طرح نوسازی محله سبزه مشهد، عکس: هدیه برومند، ۱۳۹۸.

به تک‌منظوره‌نبودن حرکت پیاده و کیفیت بهتر فضاهای عمومی کمک می‌کند (Hillier, Penn, Hanson, Grajewski, & Xu, 1993). به طور کلی مسیرها نسبت به توقفگاه‌ها از محبوبیت بیشتری میان مردم برخوردارند. توقفگاه‌ها از جمله پارک و پلازا مکانی برای گروه خاصی از مردم هستند و مسیرها از جمله خیابان‌ها و بلوارها مکان‌هایی هستند که اکثریت جامعه در آن حس راحتی دارد (Thompson, 2002). این در حالی است که رویکرد صرفاً کالبدی به مسیرها، حرکت در فضاهای شهری را به یک تجربه حرکتی خالص مبدل می‌کند. در بافت تاریخی گرگان اگرچه ظاهر اقدامات مرمتی و تمهیدات صورت گرفته مبنی بر ارزش‌گذاری به حضور پیاده است، اما آنچه اکنون در گذرهای بافت تاریخی شاهد آن هستیم فضایی برای پارک ماشین‌هاست چرا که اقدامات مدیریتی علی‌رغم تلاش برای حضورپذیری پیاده به دلیل فراهم‌نبودن زیرساخت‌هایی نظیر وجود پارکینگ عمومی و کاربری‌های مشوق حضور افراد به شکل پیاده، به ضد خود مبدل شده و فضا به جای تشویق روابط و تعاملات اجتماعی عملاً به فضایی با اولویت سواره تبدیل شده است. (تصویر ۵).

• محوطه‌سازی به جای منظره‌پردازی

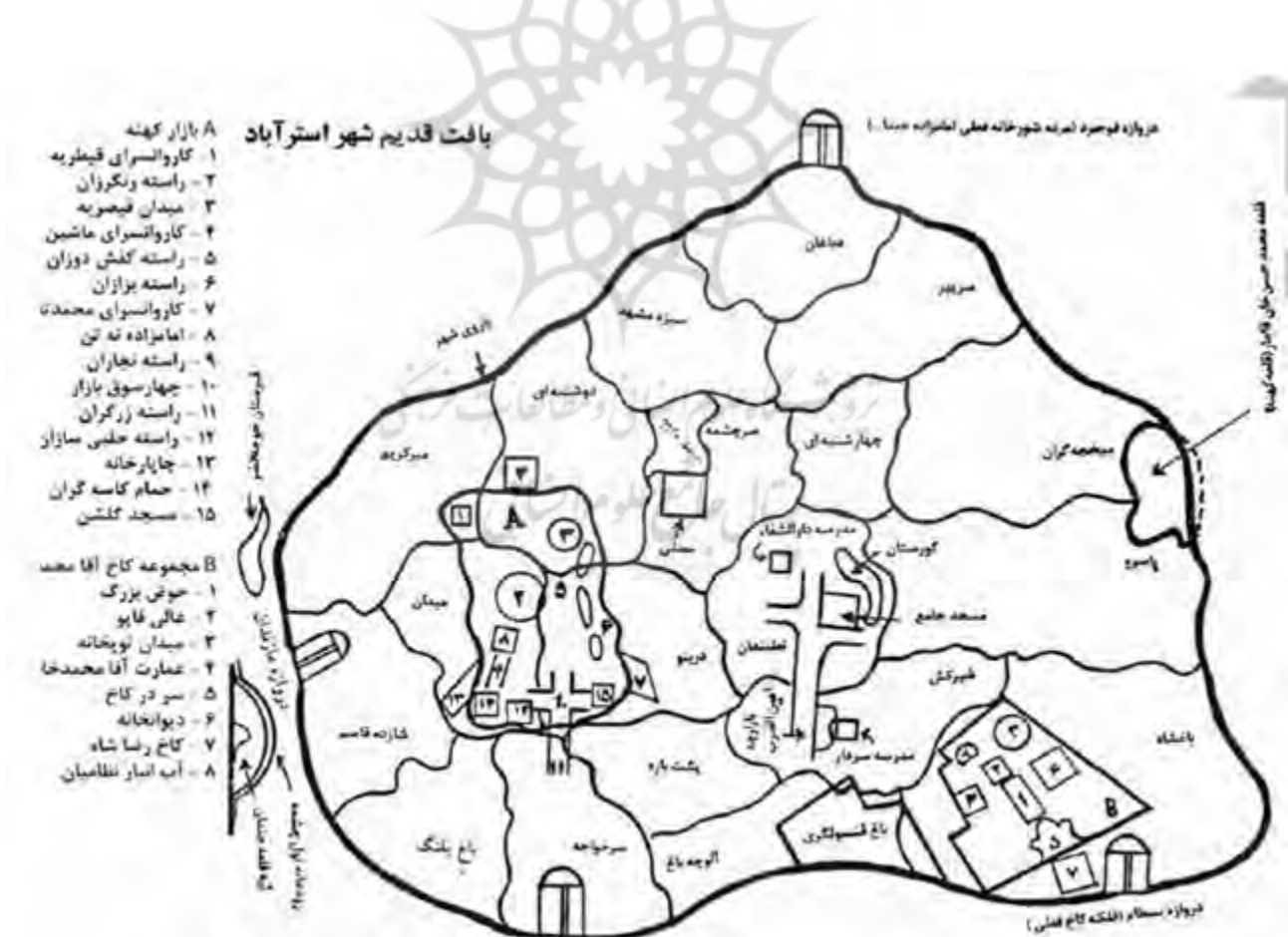
در نگاه پدیدارشناسانه فضاهای عمومی به دو شکل فضاهای قاعده‌مند^۷ و بی‌قاعده^۸ دیده می‌شوند. فضاهای بی‌قاعده برخلاف فضاهای هنجارمند، فاقد طراحی و نظم مشخص و رها از «استبداد عملکردی» هستند. فضاهای کشف‌شده، متروک و رهاشده از جمله فضاهای بی‌قاعده به شمار می‌آیند. این فضاها اغلب به نیازهای افراد، به شکل جامع‌تری پاسخ می‌دهند و به لحاظ اجتماعی موفق و همه‌شمول هستند (Dovey, 2000; Rivlin, 2000). در طرح ساماندهی بافت تاریخی گرگان مجموعه اقدامات در حد پرداختن به جزئیات کالبدی متعدد نظیر مبلمان و طرح کاشت متوقف شده است. اگرچه این مسئله بهبود بصری را به دنبال داشته، اما کاراکتر خاص بافت را دچار چالش ساخته است. می‌توان گفت که پرداختن به جزئیات کالبدی در زنجیره اقدامات مدیریتی برای بهبود حیات اجتماعی در آخرین مرحله قرار داشته و در بافت تاریخی گرگان مسائل مهم‌تر نظیر زمینه‌سازی برای حضور افراد از طریق عیان‌سازی پتانسیل‌های معنایی محیط مورد غفلت قرار گرفته‌اند (تصویر ۶).

• شکل کنونی، تداوم معنایی فضاهای جمعی مناسبی توافق سمبولیک در به نمایش‌گذاشتن جنبه‌های عمومی و اجتماعی زندگی یکی از ویژگی‌های فضاهای جمعی است (Francis, Giles-corti, Wood & Knuiman, 2012).

فضاهای عمومی موفق، افزایش فرصت‌های مشارکت در فعالیت‌های همگانی را به همراه دارند. در چنین حالتی فضاهای جمعی ظرف معانی و باورهای مشترک خواهند بود (Carr, Francis, Rilvin & Stone, 1993). چنانکه پیش

معروف به عباس خانی، تکیه دوشنبه، تکیه دروازه نو، تکیه عباسعلی، تکیه بنی کریمی (موسوی سروینه باغی، مرادی و رنجبر، ۱۳۹۴)؛ (تصویر ۷). امروزه نقش معنایی مراکز محلات به‌عنوان فضاهای جمعی در بافت تاریخی گرگان، به شکل خاطره‌ای از فضای جمعی دیده می‌شود که به شکل مناسبی مورد استفاده قرار می‌گیرند. به گفته مردم در ایام مذهبی مانند ایام محرم، مسیرهای مشخصی بین این مراکز محلات شکل می‌گیرد و رویدادهای اجتماعی-آیینی بزرگی برپا می‌شوند. این رویدادها دال بر اهمیت بعد معنایی فضاهای جمعی هستند که در شهرهای ایرانی مانند گرگان، در قالب فضاهایی آیینی تجلی پیدا می‌کند. اگرچه این مراکز در بیشتر ایام سال خلوت هستند، اما به دلیل رویدادها و مفاهیم قوی که در آن جریان دارد، ارزش خود را از دست نداده و هم‌چنان در اولویت انتخاب مردم محله برای شکل‌گیری رویدادهای جمعی محسوب می‌شوند. در مناسبت‌های مذهبی، فعالیت‌های اجتماعی و مشارکتی

از این گفته شد شهر گرگان همانند سایر شهرهای تاریخی ایران براساس نظام محله‌ای شکل گرفته است. تکایا به‌عنوان یکی از عناصر اصلی مرکز محلات، عاملی هویت‌بخش و وحدت‌دهنده به کاربری‌های اطراف و پایداری بافت تاریخی این شهر محسوب می‌شوند (نظیف، ۱۳۹۰، ۲). فضاهای اجتماعی شهر جایگاه تولید مداوم نمادها و مکان‌هایی هستند که به فرهنگ موجودیت، چارچوب و معنا می‌بخشند (Goheen, 1998). تکایای دوره قاجار از فضاهای اجتماعی شهرها، مرکز تجمع ساکنان محله و کانونی برای ارتقای هویت محلی به شمار می‌آمدند. در واقع تکایا پایگاه‌های اجتماعی مراکز محلات بودند که در ایام سوگواری و عزاداری مورد استفاده قرار می‌گرفتند. شهر گرگان به‌عنوان یکی از شهرهای مهم دوره قاجار دارای تکایای مهمی است که محله‌های قدیم شهر گرد آنها شکل گرفته‌اند؛ این تکایا عبارتند از: تکیه پاسرو، تکیه نعلبندان، تکیه میخچه‌گران، تکیه سبز مشهد، تکیه سر پیر



تصویر ۷. محله‌بندی شهر گرگان در دوره قاجار. مأخذ: معطوفی، ۱۳۷۴، ۳۲۷.

این در حالی است که از میان مؤلفه‌های اثرگذار بر موفقیت فضاهای جمعی، به ترتیب ویژگی‌های معنایی و عملکردی نقش ماندگارتری نسبت به ویژگی‌های کالبدی دارند و کمتر تحت تأثیر اقدامات بیرونی و تحولات قرار می‌گیرند. امروزه در بافت تاریخی گرگان به استثنای مواردی خاص، فضای جمعی وجود نداشته و فضاهای شهری در خوشبینانه‌ترین حالت تنها جنبه عمومی دارند. تنها رد پای حیات اجتماعی پیشین شهر در بازار مرکزی شهر دیده می‌شود که به دلیل نقش تاریخی و جنبه عملکردی و خدماتی همچنان به فعالیت و اثرگذاری اجتماعی خویش ادامه می‌دهد و مراکز محلات نیز به مدد نقش پیشین خود، به شکل سایه و خاطره‌ای از فضاهای جمعی، در بازه‌های زمانی خاص نظیر مراسم‌های آیینی و عزاداری‌ها فعال هستند (جدول ۱).

متعددی در این مکان‌ها شکل می‌گیرند و این فعالیت‌ها، معنا و مفهوم این مراکز محله را به عنوان فضاهایی جمعی یادآور می‌شوند (تصویر ۸).

نتیجه‌گیری

فضاهای جمعی در بافت تاریخی گرگان به شکل تاریخی در قالب بازارها و مراکز محلات وجود داشته‌اند. سرنوشت امروزی این کاربری‌ها در بلندمدت به دلیل اقدامات مدیریتی در سطح کلان نظیر خیابان‌کشی‌ها و مجهزسازی بافت به امکانات پاسخگو به نیازهای زندگی روزمره ساکنان دچار تحول شده است و در میان‌مدت نیز اتخاذ رویکردهای صرفاً ساخت‌افزایی و اقدامات مدیریتی کالبدی نظیر پرداختن به جداره‌ها و کفسازی روند این اضمحلال را تسریع کرده است.



تصویر ۸. شکل‌گیری تعاملات اجتماعی و فضای جمعی مناسبتی در مراکز محلات تاریخی گرگان، مأخذ: <https://www.nabro.ir>.

جدول ۱. تحولات فضاهای جمعی در بافت تاریخی گرگان، مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸. *پژوهش‌های علمی و مطالعاتی در حوزه معماری و شهرسازی*

فضا	ویژگی‌ها	عامل درونی تحول	عامل بیرونی تحول	نقش کنونی
بازارها	- نقش ارتباطی - تعدد کاربری‌ها و ماهیت چندعملکردی - قرارگیری افراد در یک الگوی یکپارچه فضایی- زمانی	- کمرنگ‌تر شدن جایگاه در سازمان فضایی شهر - محدود شدن حوزه نفوذ	تحولات اخیر بافت از جمله خیابان‌کشی‌ها	فضای جمعی روزمره با حفظ نقش تاریخی خدماتی
مراکز محلات	- کاربری‌های خدماتی - پاسخگویی به نیازهای روزمره - حامل معنای مشترک برای همه ساکنان - ایجاد حس جزئی از یک کل بودن	- از بین رفتن تدریجی تنوع کاربری‌ها - همگام‌نشدن با نیازهای روز - تحول ساختار جمعیتی بافت	عدم موفقیت اقدامات مدیریتی: کالبدی (جداره‌سازی صرف) - عملکردی (حضور پیاده)	فضای جمعی مناسبتی با عملکرد آیینی

پی نوشت‌ها

۱. فضای عمومی برای اولین بار توسط یورگن هابرماس (Jürgen Habermas) فیلسوف آلمانی در دهه ۱۹۷۰ برای حل بحران‌های اجتماعی مطرح شده است و بیشتر بر مبنای معنایافتن عموم به عنوان مجموعه‌ای از افراد که مدعی چنین و چنانند و به عنوان یکی از اصول دموکراسی شکل گرفته است (منصوری، ۱۳۹۴).
۲. شاخص‌های معرف سازمان فضایی شهر به استناد پژوهش‌های انجام شده در مقالات (منصوری، ۱۳۹۲؛ منصوری، ۱۳۸۶) عبارتند از: مرکزیت (حافظه تاریخی و نقطه ثقل فعالیتی و ذهنی شهر)، کل‌های کوچک (محلات) و مجموعه‌های نیمه مستقل در درون شهر، ساختار (عنصر کالبدی و ارتباطی پیونددهنده سایر اجزا) و قلمرو (محدوده‌ای که با ساکنان آن احساس تعلق متقابل دارد) (محمدزاده و منصوری، ۱۳۹۶، ۲۲).
۳. multiplicity
۴. وایت به فرآیند آن سه گوشه‌سازی (triangulation) گوید. نحوه قرارگیری عوامل خارجی نظیر نیمکت‌ها، فواره‌ها، تلفن‌ها، مجسمه‌ها و ... می‌تواند به این روند کمک کند (Whyte, 2005).
۵. احداث خیابان‌های نفوذی (Piercing Street)، اقدامی دستوری از سوی مدیریت شهری برای انجام اصلاحات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... است. این خیابان‌ها در بافت‌های قدیمی و غیر قابل نفوذ احداث شده و اغلب به لحاظ اثرگذاری منفی بر سازوکار مناطق شهری مورد انتقاد واقع شده‌اند (آتشین‌بار، ۱۳۹۴، ۵۵). در دوره پهلوی اول با تصویب قانون مدیریت شهری به نام «احداث و توسعه معابر و خیابان‌ها» در سال ۱۳۱۲، احداث خیابان‌ها نفوذی در بسیاری از شهرهای ایران از جمله گرگان آغاز شد؛ از جمله احداث خیابان‌های امام خمینی و فلکه شهرداری در دوره پهلوی اول و احداث خیابان پانزده خرداد در دوره پهلوی دوم.
۶. سرمایه اجتماعی، هنجارها و شبکه‌های ارتباطی در جامعه مدنی است که همکاری‌ها و اقدامات یکپارچه بین شهروندان را تسهیل می‌کند (پوتنام به نقل از مدنی‌پور، ۱۳۹۱).
۷. constrained
۸. unconstrained

فهرست منابع

- آتشین‌بار، محمد. (۱۳۹۴). منظر خیابان نفوذی؛ تأثیر خیابان‌های نفوذی بر منظر شهری پاریس. منظر، ۷(۳۰)، ۵۴-۶۱.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۹۲). معماری ایرانی. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- جیکوبز، جین. (۱۳۸۶). مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی (ترجمه حمیدرضا پارسی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خانلری، الهام و میرسعیدی، لیلا. (۱۳۸۹). بررسی روند تحول مسکن گرگان در دوره پهلوی اول، همایش منطقه‌ای خانه ایرانی، دانشگاه آزاد اسلامی گنبد کاووس.
- رضوانی، نوشین، بهزادفر، مصطفی و حبیبی، کیومرث. (۱۳۹۶). ارزیابی بافت‌های تاریخی بر پایه هنجار حس تعلق به مکان (نمونه مطالعاتی: محله سرچشمه گرگان). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۸(۲۹)، ۲۳-۴۲.
- رضوانی، نوشین، و حبیبی، کیومرث. (۱۳۹۳). بررسی میزان انطباق پذیری شهرسازی اسلامی با شهرهای معاصر ایران. اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار،
- روو، فیلیپ. (۱۳۸۹). منظر شهری، یک امتیاز عمومی، ترجمه: مریم السادات منصوری، منظر، ۱۱(۱)، ۸-۱۱.
- طبرسا، محمدعلی و پاسیان خمیری، رضا و حسینی فوجردی، سید محسن. (۱۳۹۷). کاربرد تکنیک چیدمان فضا برای مقایسه تطبیقی میان ساختار فضایی بافت‌های تاریخی و توسعه‌های جدید شهری. مجله معماری و شهرسازی ایران، ۱۵(۵)، ۱۶-۱۰.
- کرمونا، متیو. (۱۳۹۴). مکان‌های عمومی و فضاهای شهری. (ترجمه فریبا قرائی). تهران: دانشگاه هنر.
- کیانی، محمد یوسف. (۱۳۶۶). شهرهای ایران. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- لوفور، هانری. (۱۳۹۵). درآمدی بر تولید فضای هانری لوفور (ترجمه آیدین ترکمه). تهران: نشر تیسرا.
- محمدزاده، شبنم و منصوری، سید امیر. (۱۳۹۶). تحولات سازمان فضایی شهر تبریز از اوایل اسلام تا دوره قاجار. باغ نظر، ۵۱(۱۴)، ۳۲-۲۱.
- مدنی‌پور، علی. (۱۳۹۱). فضاهای عمومی و خصوصی شهر (ترجمه فرشاد نوریان). انتشارات: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- معینی، اسدالله. (۱۳۴۴). جغرافیا و جغرافیای طبیعی گرگان و دشت، تهران: چاپخانه شرکت سهامی طبع کتاب.
- معطوفی، اسدالله. (۱۳۷۴). استرآباد و گرگان در بستر تاریخ، نگاهی به ۵۰۰۰ سال تاریخ منطقه. مشهد: انتشارات درخشش.
- منصوری، سید امیر. (۱۳۸۶). دو دوره سازمان فضایی در شهر ایرانی: قبل و بعد از اسلام. باغ نظر، ۱(۷)، ۴۹-۶۰.
- منصوری، سید امیر. (۱۳۹۲). سازمان فضایی در شهر ایرانی اسلامی. مجله هنر و تمدن شرق، ۱(۱)، ۶۲-۵۱.
- منصوری، مریم‌السادات. (۱۳۹۴). زیبایی‌شناسی فضای جمعی؛ ارزیابی زیبایی در سه فضای شهر تهران. منظر، ۷(۳۰)، ۶۲-۶۹.
- موسوی سروینه باغی، الهه‌سادات، مرادی، نینا و رنجبر، احسان. (۱۳۹۴). گونه‌شناسی کالبدی میدان‌های مرکز محله در بافت تاریخی گرگان، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، ۲۱(۲)، ۳۲-۲۰.
- میرکتولی، جعفر و مدانلو جویباری، مسعود. (۱۳۹۱). تحلیل عوامل مؤثر بر تحول کالبدی مراکز تجاری شهرها، مطالعه موردی شهر گرگان. نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۸(۱)، ۱۲-۲۴.
- نظیف، حسن. (۱۳۹۰). نقش تکایا در پایداری کالبدی بافت تاریخی گرگان، اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، تبریز، ایران.
- Amin, A. (2008). space Collective culture and urban

public space. *City*, (12), 5-24.

- Bentley, I. (1985). *Responsive environments: A manual for designers*. London: Routledge.
- Carr, S., Francis, M., Rilvin, I.G. & Stone, A. M. (1993). *Public space*. Cambridge: Cambridge university press.
- Dovey, K. (2000). *Spaces of 'becoming'*. In: *Proceedings of the 16th Conference of the International Paris: Association for People– Environment Studies*.
- Francis, J., Giles-corti, B., Wood, L., & Knuiman, M. (2012). Creating sense of community : The role of public space. *Journal of Environmental Psychology*, 32(4), 401–409.
- Gehl, J. (2011). *Life between buildings: using public space*. Australia: Island press.
- Goheen, P. G. (1998). Public space and the geography of the modern city, *Progress in Human Geography* (4), 479–496.
- Hillier, B., Penn, A., Hanson, J., Grajewski, T. & Xu,

J. (1993). Natural movement: Or, configuration and attraction in urban pedestrian movement. *Environment and Planning B: Planning and Design*, (20), 29-66.

- Lynch, K. (1960). *The image of the city* (Vol. 11). United States: MIT press.
- Rivlin, L. (2000). *The Nature of Found Spaces*. In: *Proceedings of the 16th Conference of the International Paris: Association for People–Environment Studies*.
- Seamon, D. (2015). *A Geography of the Lifeworld (Routledge Revivals): Movement, Rest and Encounter*. London: Routledge.
- Thompso, C. W. (2002). Urban open space in the 21st century. *Landscape and urban planning*, 60(2), 59-72.
- Tuan, Y. F. (1990). *Topophilia: A study of environmental perceptions, attitudes, and values*. Columbia University Press.
- Whyte, W. (2005). *The social life of small urban spaces*. Santa Monica, CA: Direct Cinema Ltd.



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

ابرقویی فرد، حمیده؛ برومند، هدیه؛ طایفه حسینلو، اردلان؛ لطیفی، محمد مهدی؛ نبی، سیده یگانه و نیکزاد، غزل. (۱۳۹۹). فضای جمعی؛ مفهومی رو به زوال ارزیابی کیفیت اجتماعی فضاهای شهری در بافت تاریخی شهر گرگان. *مجله هنر و تمدن شرق*، ۸ (۲۸)، ۳۳-۲۳.

DOI: 10.22034/JACO.2020.217608.1139

URL: http://www.jaco-sj.com/article_109806.html

